

## مصاحبه با پروسفور الدو روسی<sup>1</sup>

شرح حال مختصری از زندگی پروسفور الدو روسی :

در سال 1931 در میلان متولد گردید.

در سال 1959 از دانشگاه صنعتی میلان در رشته معماری فارغ‌التحصیل گردید.

از سال 1963 الی 1966 در دانشگاه ونیز معماری تدریس نمود.

از سال 1965 الی 1970 در دانشگاه میلان معماری تدریس نمود و فعالیت‌های تحقیقی پرداخت.

از سال 1972 الی 1974 بسمت استادیار در رشته معماری دانشگاه مونیخ مشغول تحقیق بود.

از سال 1975 به بعد استاد انستیتو معماری در دانشگاه ونیز بوده است.

خبرنگار مجله: آقای الد روسی کشور شما از نظر سبک معماری از ویژگی خاصی برخوردار است و فکر می‌کنم عقاید شما باعث بحث‌های بسیاری در این باره شده است و اکنون که شما بعنوان ریاست بینال ونیز مشغول بکار شده‌اید قبل از هر چیز نظرتان را در این باره بینال بفرمائید.

الد روسی: چنانچه می‌دانید ما در حال حاضر سه بینال داریم اولین بینال هفت یا هشت سال پیش توسط گری‌گونی ساخته شد و آن *Itatia Avlica* نامیده شد و این کار توسط چندین آرشیتکت که در حال حاضر نیز مشهور هم هستند ارائه گردید. وقتی که من مسئولیت بینال را بعهده گرفتم فکر نمودم باید در یک محیط وسیعتری برای نیروهای جوان آنهائیکه فرصت بروز استعدادهای خود را بطور مرتبط در مجلات و وسائل ارتباط جمعی نداشته‌اند افتتاح گردد.

گشایش بینال با طرز فکری از ارائه مشارکت آزاد برای همه افراد بنظم می‌رسد و من حدس می‌زنم این نوع مشارکت نتیجه مؤثری در نیروهای جوان خواهد داشت. و این یک نمایشگاه بین‌المللی است. ما تقریباً چهار هزار نوشته (مقاله) برای آن دریافت کرده بودیم و برنامه‌ای داشتیم برای دعوت چندین نفر از معماران برجسته جهان که آثار آنان مستقل از قضاوت هیئت ژوری ارائه گردد.

گشایش بینال با طرز فکری از ارائه مشارکت آزاد برای همه افراد بنظم می‌رسد و من حدس می‌زنم این نوع مشارکت نتیجه مؤثری در نیروهای جوان خواهد داشت.

و این یک نمایشگاه بین‌المللی است. ما تقریباً چهار هزار نوشته (مقاله) برای آن دریافت کرده بودیم و برنامه‌ای داشتیم برای دعوت چندین نفر از معماران برجسته جهان که آثار آنان مستقل از قضاوت هیئت ژوری ارائه گردد.

دهها مقاله در ارتباط با سرزمین ونیز وجود داشت که حاکی از این بود که ونیز نه تنها از نقطه - نظر معماری مطرح بوده بلکه از نظر روشهای زندگی، زندگی در ناحیه ونتو و ارتباط بین زبان و لهجه، ارتباط ویژه آنها با سبکهای معماری موجود که در موقعیت مخصوص خود توضیح خواهد گردید.

در این بینال آنچه برای ما مهم بنظر می‌رسد این است که ببینیم چگونه معماران مشهور و افراد جوانتر با یکدیگر همکاری می‌کنند و چگونه آنها در مقابل بعضی موضوعات که با دقت انتخاب کرده‌ایم خودشان به ارزیابی می‌پردازند. همین مسائل حد نشدنی هست که باید به مسابقه گذاشت و نتیجه را مجدداً ارزیابی نمود.

○ خبرنگار مجله: من احساس می‌کنم که کار و فعالیت‌های شما این شهر جزیره‌ای را باید تحت تأثیر قرار داده و ارتباط شما را در باره بینال مشخص می‌کند و اگر مایل باشید گرایش خودتان را در ارتباط با دیگر شهرها بیان کنید، آیا این حقیقت دارد که شما عقایدتان را در ارتباط نزدیک با تصویری که از ونیز دارید شرح داده‌اید؟

○ روسی: من فکر می‌کنم ونیز برای من غریبه است، من بعنوان معاون کارکو «Carli, Aymon' a» ساها پیش اینجا آمدم اما بعداً به میلان رفته و در آنجا مشغول تحقیق شدم ولی وقتی کرسی استادی را در ونیز دریافت نمودم مجدداً بشهر برگشتم. وقتی بنظر عجیب می‌آید که من هیچ علاقه خاصی به ونز به جز یک علاقه کاری نسبت به اثری از «Teartode Inondo» ندارم.

من ترجیح می‌دهم بگویم که جذب فضای ایالات ونیز بیش از شهرهای ونیز است و این موضوع باعث گردیده که ونیز بطرف یونان و ترکیه توسعه یابد و این سرزمین اصلی مدیترانه است که پر است از تفاسیر، رابطه‌ها و راه حل‌ها.

○ خبرنگار مجله: انتقادات زیادی در سبک معماری شما در زمینه بحث‌های اخیر در جهت نوگرایی و غیره بوجود آمده، آیا چگونه شما موقعیت خودتان را در ارتباط با این موضوعها تشخیص می‌دهید؟

○ روسی: سالها پیش زماین که من بعنوان یک نوگرایی قدیمی نامیده می‌شدم اعلام کردم که می‌توانم پیش از آنکه یک نوگرایی قدیمی باشم تنها یک نوگرا باشم و برای من سبک گذشته بعضی هیچ است.

من همیشه یک تحقیق موفقیت آمیز را پیگیری نموده‌ام و از حرکتها جدید در تحقیقات که بطور کلی نوشته شده انتقاد کرده‌ام در مورد فرهنگ ایتالیا مخصوصاً در دهه 1960 زمانی که

«Corradel conde in Seville» که حیاطی را نه تنها از نظر سبک معماری ای مهندسی بلکه از نظر ارزشهای تاریخی ارزشهای اجتماعی و ارزشهای سمبولیک که بدین معنی ارزشهایی را که معماری تأیید می‌کند نشان می‌دهد.

بنابراین این سبک Corral حیاط وسیعی است در «Combardga» اسپانیا که بیانگر شکل یک ناحیه شهر نشیم یم باشد و این جالبترین جنبه از بافت شهری است که منزل را بهم مرتبط می‌کند، اگر ه با هم ارتباطی نداشته باشند قسمتی از واقعتهای تاریخی را که این سبک معماری بخود اختصاص داده که برای مثال ویژگی‌هایی از تحولات یک جامعه و سبک زندگی در جوامع غیر پایدار در یک محیط رانشان می‌دهد.

حتی در جوامعی که در ایالات متحده آمریکا و آمریکای لاتین استقرار یافته‌اند، نشانه‌ای از طریق سبک معماری که بیانگر نه تنها شکل بلکه سبک زندگی می‌باشد را می‌توان مشاهده نمود تحقیقات جالبی در این زمینه وجود دارد.

من به «Levi – Strauss» ان مراجعه کرده‌ام که از محتوای بافت شهری بعنوان سبک زندگی افرادی که بشکل معینی همچون ان‌های خصوصی یا مجتمع‌های مسکونی می‌باشد بحث می‌کند چگونگی کارهای انجام شده و آنچه در درون آشکار می‌باشد جنبه‌های معینی است از بافت شهری که پیش از جنبه‌های فنی معماری می‌باشد.

○ خبرنگار مجله: قسمتی از مقالات تاریخی شما آثار معماری مشا را در بر دارد که همیشه مربوط به چشم – اندازه‌هایی از حومه شهر صنعتی می‌باشد آیا به نظر شما آشفستگی و مشکلات شهرهای معاصر نشانی این را دارد که در طرحهای جدید افزایش یابد؟ ←

○ روسی: خوب از بعضی جنبه‌ها آری. ضروریست که بطورمختصر و مفید این بناها، این اشیاء این متدها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بنظر من شهرهای جدید رشد و غیر قابل کنترولی را از نظر اقتصادی و سیاسی بسختی می‌تان برای آنها تدوین نمود. و به هر حال من ترجیح می‌دهم بگویم که نوعی از سیاست معماری که امکان‌پذیر باشد ممکن است فقط روی قسمتهایی که دارای ضوابط خاص معماری است پیاده نمود.

○ خبرنگار مجله: آثارم معماری شما تأثیر عظیمی را در سرتاسر جهان داشته است مخصوصاً در بین نسل جوان در مسابقات معماری به آسانی پیشنهاداتی را که بیانگر نظرات شما در می‌یابیم چگونه شما این پدیده را پاسخ می‌دهید؟

نوگرایی گسترده‌تر از حال بود این تحقیق در مجله Casabella آغاز شد و وقتی چندین اثر بزرگ روی کرا تحقیقاتی آمد بطور مثال «Latorre Vdasca» در میلان که وسیله Ernesto Regors ارائه گردیده بود این آثار چندان حرکات جدیدی را مطرح نمود که عیناً در نگرشهای عمومی فرهنگ ایتالیا که با سیما شروع گردیده بود مقایسه شد. نوگرایی ایتالیا اولین برخورد با واقعیت در این کشور بود. امتناع از کاربرد کلمات مبتذل قدیمی و فیلمهای مرموز همراه با ادبیات بیانگر ادبیات ایتالیا.

○ خبرنگار مجله: شما مطرح نموده‌اید که تکامل تدریجی سبک معماری شما در رابطه با قدمت ایتالیاست اما این یک ارتباط قومی در رابطه با سابقه گرایشهای بین‌المللی است در این خصوص نظران را بفرمائید.

○ روسی: من فکر می‌کنم آری. امروز در میلان افراد با فرهنگ (آموزش دیده) را بسهولت می‌توان ملاقات کرد طرح جدید نیست زیرا میلان همیشه دارای قدمت تاریخی و یک شهر تجاری – فرهنگی بوده که مطابق با قوانین پایتخت عمل می‌کرده است. رم نیز بدون شک دارای خیلی قدرت حیایت خارج از تصور بوده هر چند که این دو شهر با هم تفاوت بسیاری دارند.



○ خبرنگار مجله: مایل هستم روشی را که از نوع – شناسی بکار می‌برید و از ویژگی‌های نگارش و آثار سبک معماری شما است آگاهی یابم.

○ روسی: این مسئله نوع شناسی که بنظر عجیب است در حقیقت بسیار ساده می‌باشد و در یکیان ملایم نوع – شناسی روشی است که سبک زندگی را که به افراد عادی انتقال یافته بیان می‌دارد.

برای مثال ما در قرن نوزده یک چهارچوب از نوع شناسی داشته‌ایم و درست پس از آنکه «The French – Enhgh – Lenment» نوعی از ویلا و بنا و غیره را بنا نمود و من معتقد هستم که اگر بجای تقلید، از ساختمان بلند و وسیع و بی‌تناسب از کنترل باتف شهر برخوردار باشم ما تولید بهتری را نسبت به زمان خواهیم داشت و اساساً یک شهر با نوحی متعدد بیک توسعه بافت دقیق و مفید احتیاج دارد و در همین جاست که اهمیت جنبه تکنیکی و حرفه‌ای بافت شهری مشخص می‌گردد، که این همان نوع شناسی است.

من شخصاً تغییراتی را که بصورت ناگهانی در باتف شهری صورت می‌گیرد می‌پذیرم برای مثال ساختمان «The

○ روسی : پاسخگوئی به چنین سئوالاتی مشکل است زمانی که من دانش‌آموز در Politecnico بودم با استادان خودم همیشه در این خصوص بحث می‌نمودم بدون شک سبک معماری من باعث عصبانیت و گاهی باعث تنفر می‌باشد و من واقعاً نمی‌دانم چرا. اما معتقدم که هر کسی می‌تواند خودش را در آثارش پیاده کند و نکته ویژه‌ای در زندگی من وجود دارد که سالها از آن می‌گذرد.

اگر ما نگاهی به Palladran کنیم برای مثال سبک معماری او برای بیش از دو قرن افراد را تحت تأثیر قرار می‌داده سبک معماری Palladran به سبک معماری فرانسوی ، انگلیسی ، روسی ، آمریکایی تبدیل شده. از این جهت ما می‌توانیم Adan را یک سبک گذار Palladran بدانیم برای مثال Raffaello شاگرد Bramante بود و از سبک framante با یک روش خاصی تقلید و تکرار می‌کرد.

اما من فکر نمی‌کنم این باعث تضعیف شخصیت او باشد حال اگر ما به حرکات جدید توجه کنیم مهم‌ترین سبک را آنهایی خلق کرده‌اند که احتمالاً از تکرار در سبکشان استفاده نموده‌اند. بعنوان نمونه «Mles Vamdev Robe» که یکی از معماران بزرگ می‌باشد ، بیشتر آثار او چه آنهایی که از فرم خوبی برخوردار هستند و چه آنهایی که فاقد یک فرم مناسب می‌باشند در این روش بر آثار شهرهای جدید برتری دارند.

اما میش روش خاصی را تدریس نمی‌کند و اعتقاد بر این است که فن معماری مانند شعر و ساغری است اما این بدین معنا نیست که معمار باید حتما شاعر و یا یک مخترع باشد.